

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۹ دسمبر ۲۰۲۲

طالبان زنان افغانستان را مرده‌های متحرک می‌پندارند!

(بخش یازدهم)

«نه افغانیم و نه ترک و تتاریم چمن زادیم و از یک شاخساریم
تمیز رنگ و بو بر ما حرام است که ما پرورده یک نو بهاریم»

اقبال لاهوری

اقبال لاهوری شهروند شبه‌قاره قرن ۲۰ است که شاید افغانستان را بیشتر از اکثر افغان‌ها می‌شناخت و دوست می‌داشت. اشعار اقبال پر از اشاراتی به افغان‌ها و افغانستان است. افغان‌ها نیز با اقبال آشنا بودند و او را در حلقه‌های شعری و ادبی‌شان معمولاً به‌نام اقبال لاهوری می‌شناختند.

افغانستان از دوران‌های بسیار قدیم مورد توجه دولت‌های سلطه‌گر و اشغالگر قدرتمند جهانی دست به گریبان بوده است. به همین دلیل، تاریخ افغانستان، تاریخ درد و رنج و جنگ و کشتار است. در این میان ظهور طالبان در افغانستان، دردها و رنج‌های مردم این کشور، به‌ویژه دختران و زنان را چند برابر گذشته کرده است.

همان‌طور که از نام «طالبان» پیداست این جریان، یک جریان کاملاً مردانه و با ایدئولوژی اسلامی تاسیس شده که اعضای آن از کودکی در مدارس اسلامی افغانستان آموزش دیده‌اند. بنابراین برای این سازمان، که در حال حاضر حاکمیت افغانستان را در اختیار دارد و از سوی دولت‌های جهان و نهادهای بین‌المللی به رسمیت شناخته شده و حتی حمایت مالی می‌شود؛ زنان را ابزاری بیش نمی‌داند که ۱۰۰ درصد باید در خدمت مرد و نیازهای جنسی او و خدمات خانگی‌اش از تولیدمثل و بچه‌داری تا پخت و پز باشد؛ در واقع به هیچ‌وجه نباید به زنان کمترین موقعیتی برای اظهار نظر مستقل در جامعه داده شود. بنابراین از دیدگاه طالبان، زنان به‌عنوان مرده‌های متحرک محسوب می‌شوند.

کشور افغانستان دارای ۳ میلیون ۶۰۰ هزار دانش‌آموز است که از این تعداد ۲ میلیون ۴۸۰ هزار نفر آنان در دوره ابتدایی تحصیل می‌کنند و ۴۸ مرکز تربیت معلم در این کشور وظیفه آموزش ۲ هزار مربی را برعهده دارند. (آمار سال ۱۳۹۶)

محدودیت‌های تحصیلی در مدرسه و دانشگاه با روی کار آمدن دولت طالبان در افغانستان طی یک‌سال‌ونیم گذشته، به جدی‌ترین مشکل دختران افغان تبدیل شده، اما حالا تصمیم جدید حکومت فعلی، آن‌ها را در وضعیت بسیار سخت‌تری قرار داده است.

دختران افغان حدود ۳ ماه پیش آزمون کنکور دادند، اما ورودشان به دانشگاه با اما و اگرهایی همراه شد؛ به همین دلیل مهر امسال با شعار «ما را به جرم درس خواندن از دانشگاه اخراج کردند» تجمعات اعتراضی را مقابل دانشگاه کابل برگزار کردند. همان زمان وزارت تحصیلات عالی طالبان اخراج دختران از دانشگاه کابل را تایید و اعلام کرد: «این وزارت لوابیجی دارد و با هر کسی که از این لوابیجی سرپیچی کند، برخورد می‌شود.»



اما حالا همان دخترانی هم که رضایت داده بودند با برقع و حجاب کامل در دانشگاه‌ها حضور پیدا کنند از ادامه تحصیل منع شده‌اند و این دولت از چهارشنبه گذشته درهای دانشگاه‌ها را به‌طور کامل روی زنان دانشجو بسته است؛ تصمیمی که به‌شدت مورد انتقاد جامعه جهانی قرار گرفته است.

طالبان روز سه‌شنبه ۲۸ قوس-آذر در نامه‌ای به تمام دانشگاه‌های دولتی و خصوصی ابلاغ کرد که ادامه تحصیل دختران در این دانشگاه‌ها «تا امر ثانی تعطیل است.»

ویدیوهایی روز چهارشنبه از دانشجویان دختر در افغانستان منتشر شده که با وجود اعلام ممنوعیت ادامه تحصیل از سوی طالبان پشت دروازه‌های دانشگاه‌ها در کابل حاضر شده‌اند اما اجازه ورود به آن را نیافتند.

ویدیوهایی هم از ولایات دیگر در افغانستان از جمله تخار منتشر شده که نشان می‌دهد دختران دانشجو برای این که اجازه ورود به دانشگاه نیافتند، پشت در دانشگاه‌ها گریه می‌کنند.

دانشجویان دختر و پسر نیز هم‌زمان با شعار «یا همه، یا هیچ‌کس» در دانشگاه ننگرهار دست به تجمع اعتراضی زدند. طالبان در سال دوم سلطه بر افغانستان با حمایت دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی، این بار زن‌ستیزی خود را شدیدتر نشان داد. با اعلام ممنوعیت تحصیسی دانشجویان و دانش‌آموزان دختر و زن، منع اشتغال زنان از سوی وزارت اقتصاد طالبان، تنها یک موسسه در قندهار با ۱۲۰ کارمند زن فعالینش را متوقف کرد، چهار سازمان هم به زنان گفتند به محل کار نروند.

تعلیق تحصیل دختران در دانشگاه‌های افغانستان با واکنش‌های بسیار نهادها و بین‌المللی روبه‌رو شده است. البته آمارها نشان می‌دهد که از زمان روی کار آمدن دولت طالبان، میزان حضور زنان و دختران در مراکز آموزشی این کشور کاهش پیدا کرده، اما میزان مهاجرت آن‌ها به ایران افزایشی بوده است.

اوایل اردیبهشت ۱۴۰۱ هم نشریه میدل‌ایست‌آی با انتشار گزارشی از افزایش مهاجرات دختران افغان به ایران برای ادامه تحصیل خبر داد و نوشت: «تعداد قابل‌توجهی از خانواده‌های افغان پس از آن‌که دولت طالبان به وعده خود برای حضور دختران در مدارس عمل نکرد، به کشور همسایه، ایران پناه برده‌اند.»



طالبان در دومین سال بازگشت به قدرت به افغانستان محدودیت‌های بیشتری را بر زنان تحمیل می‌کنند. پس از بستن درهای دانشگاه و مدرسه‌ها به روی زنان، شنبه سوم دی- ۲۴ دسامبر وزارت اقتصاد طالبان در نامه‌ای اشتغال زنان را در موسسه‌های خارجی و داخلی ممنوع اعلام کرد. در بیانیه‌ای که صدها زن را بیکار می‌کند «رعایت نکردن حجاب و سایر قوانین و مقررات مربوط به کار زنان» دلیل این تصمیم زن‌ستیزانه اسلام‌گرایان حاکم شده بر افغانستان اعلام شده است.

وزیر تحصیلات عالی دولت موقت طالبان در پی واکنش‌های گسترده داخلی و بین‌المللی، دلایل تعلیق ادامه تحصیل دختران در دانشگاه‌های افغانستان را اعلام کرد.

مولوی «ندا محمد ندیم» وزیر تحصیلات عالی دولت موقت طالبان درباره تعلیق ادامه تحصیل دختران در دانشگاه‌های افغانستان گفت دلیل اصلی چنین تصمیمی عدم رعایت مسائل شرعی است.

او در گفت‌وگو با تلویزیون ملی افغانستان افزود: طی ۱۴ ماه گذشته بارها به دانشگاه‌ها درباره مسائل شرعی سفارش‌های لازم انجام شده بود.

ندیم اظهار داشت: در نظام تحصیلی منکراتی وجود داشت و با وجود تعهد مسئولان، اما این مشکلات حل نشد.

وزیر تحصیلات عالی دولت موقت طالبان ادامه داد: نظام ما اسلامی است بنابراین شرایط هم باید اسلامی باشد. او تاکید کرد اصلاحات پیشنهادی «امارت اسلامی» عملی نشد و مجبور شدیم تا با توجه به تقاضای دینی و افکار ملت مسلمان تحصیل دختران در دانشگاه را تا اطلاع ثانوی به تعلیق درآوریم.

ندیم در این گفت‌وگوی تلویزیونی چهار دلیل اساسی ذیل را برای تعلیق تحصیل دانشجویان دختر در دانشگاه‌ها بر شمرد. فعالیت خوابگاه‌های دانشجویان دختر در ولایت‌های افغانستان مخالف غیرت افغانی و اسلام است و تحصیل دختران بدون اعضای خانواده در ولایتی دیگر و سفر بدون محرم شرعی جایز نیست.

عدم رعایت حجاب کامل از سوی دانشجویان دختر، مختلط بودن زن و مرد و حضور دانشجویان زن در رشته‌هایی «که مناسب زنان نیست و به عزت و وقار آنها مساعد نیست» از جمله دلایل اصلی است که وزیر تحصیلات عالی دولت طالبان ذکر کرد.

او با این حال، مشخص نکرد که چه زمانی دانشگاه‌ها به روی دانشجویان دختر بازگشایی خواهد شد، اما اظهار داشت اجازه ادامه تحصیل دختران بستگی به فراهم شدن امکانات در چارچوب شریعت اسلامی دارد.

یک روز پس از صدور این دستورالعمل روزنامه هشت صبح افغانستان به نقل از زنان شاغل در چهار موسسه خارجی گزارش کرد: آنها «ایمیلی از سوی رهبری موسسات‌شان دریافت کرده‌اند که از آنان خواسته شده تا به محل کارشان نروند.» به روایت این روزنامه زنان شاغل در موسسه‌های دی‌آرسی، سیو د چیلدرن، انترس‌اس و اس‌سی‌ای این ایمیل را دریافت کرده‌اند. دی‌آرسی یک موسسه غیردولتی دانمارکی است که در حوزه جابه‌جایی اجباری و پناهندگی فعالیت

می‌کند، سیو د چلدرن یا نجات کودکان موسسه غیردولتی حمایت از کودکان است، انترساز در حوزه سلامت عمومی فعال است و اس اس ای هم یک سازمان حمایت از مهاجران و پناهندگان. هنوز مشخص نیست این تصمیم به دلیل ترس از احتمال حملات خشونت‌آمیز طالبان به این سازمان‌ها گرفته شده و موقت است یا دائمی.

یوناما - هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان - منع اشتغال زنان از سوی طالبان را نادیده گرفتن نقش حیاتی زنان توصیف کرد. رامز الاکبروف، معاون نماینده ویژه سازمان ملل در افغانستان در توییت از تصمیم تازه طالبان انتقاد کرد و گفت این فرمان «نقض آشکار حقوق حیاتی زنان در تمام عرصه‌های زندگی است.» دفتر سازمان ملل برای هماهنگی کمک‌های بشردوستانه در افغانستان هم تصمیم طالبان را محکوم کرد. اوچا در بیانیه‌ای نوشت این تصمیم «بنیادی‌ترین حق زنان را نقض می‌کند و همچنین نقض آشکار اصول بشردوستانه است.» در بخش دیگری از بیانیه با تاکید بر «محافظت از مشارکت زنان»، تصریح شده است تصمیم طالبان «تنها به آسیب‌پذیرترین افراد، به ویژه زنان و دختران آسیب می‌رساند.» این سازمان همچنین تاکید کرده است «سلب اراده آزاد زنان و حذف سیستماتیک آنان از تمام عرصه‌های عمومی و سیاسی، افغانستان را به عقب می‌برد و تلاش‌ها برای هرگونه صلح یا ثبات را به خطر می‌اندازد.» اوچا گفته است «سازمان ملل به دنبال دیدار با رهبری طالبان برای به دست آوردن توضیح بیشتر در مورد دستور منع اشتغال زنان است.»

توماس وست، نماینده ویژه امریکا در امور افغانستان هم تصمیم تازه طالبان را «غیرمسئولانه» خواند که «خطرات مرگباری را برای میلیون‌ها انسانی که به کمک‌های حیاتی متکی‌اند، ایجاد می‌کند.» اما طالبان از ۱۵ اوت ۲۰۲۱ میلادی تا امروز که با حمایت مستقیم حاکمیت امریکا و دولت‌های عضو پیمان نظام ناتو مجدداً به حاکمیت افغانستان رسید، چگونه زنان و دختران را در افغانستان به صورت کامل از دسترسی به آموزش محروم کردند؟ اقدامات این گروه علیه آموزش زنان چگونه مرحله به مرحله اجرایی شد؟ جریان طالبان از زمان تسلط مجدد بر افغانستان، به صورت تدریجی و مرحله به مرحله زنان و دختران را از دسترسی به آموزش محروم کرده است.

طالبان از ۱۵ اوت ۲۰۲۱، به بعد اولین گام طالبان در راستای ممانعت آموزش دختران، جداسازی صنف‌های درسی در دانشگاه‌ها و تمام مراکز آموزشی بر اساس جنسیت بود. پس از سقوط سیستم جمهوری در افغانستان و تسلط طالبان، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی برای مدتی مسدود شد، اما در ششم ماه سنبله (شهریور) گروه طالبان دانشگاه‌ها و مکاتب دوره ابتدایی را بر روی دختران باز کرد. پس از بازگشایی دانشگاه‌ها، تصویری از یک دانشگاه خصوصی در کابل منتشر شد که نشان می‌داد برای جداسازی دختران و پسران در صنف (کلاس) درسی، از پرده استفاده شده است. این تصویر بازتاب گسترده در شبکه‌های اجتماعی افغانستان داشت، اما در روزهای بعد تصاویر از دانشگاه‌های دولتی و سایر دانشگاه‌های خصوصی در سراسر این کشور منتشر شد که نشان می‌داد که صنف‌های درسی دانشگاه‌ها بر اساس جنسیت تقسیم‌بندی شده است. در آن زمان عبدالباقی حقانی، سرپرست پیشین وزارت تحصیلات عالی گروه طالبان، صنف‌های درسی مختلط را «خلاف ارزش‌های اسلامی و ملی افغانستان» دانست و گفت که به آموزش مختلط در دانشگاه‌ها پایان داده خواهد شد.

پس از بازگشایی مدارس بر روی دختران دانش‌آموز در دوره ابتدایی در ششم ماه سنبله (شهریور) سال ۱۴۰۰ خورشیدی، گروه طالبان از سوی جامعه جهانی، تحت فشار قرار گرفتند که به دختران بالاتر از صنف ششم نیز اجازه دسترسی به آموزش و رفتن به مکتب بدهند.

مقامات این گروه بارها وعده کردند که مکاتب بالاتر از صنف ششم نیز بازگشایی می‌شود و دختران اجازه خواهند داشت که درس‌های خود را ادامه دهند. اما روز سوم حمل (فروردین) ۱۴۰۱ خورشیدی، درست در لحظاتی که هزاران دانش‌آموز دختر با شور و شوق به دروازه‌های مکاتب رسیده بودند، نیروهای مسلح طالبان مانع ورود آن‌ها شدند. در تصاویری که از ممانعت نیروی مسلح طالبان از ورود دختران به مکاتب منتشر شد، دیده می‌شد که شماری از آن‌ها با گریه و چشمان اشک‌آلود به سمت خانه‌هایشان می‌روند.

وزارت معارف گروه طالبان اعلام کرد که تمام مکاتب دخترانه بالاتر از صنف ششم تا اطلاع ثانوی بسته می‌ماند و تصمیم نهایی در این مورد از سوی هیت‌الله آخذزاده، رهبر طالبان، گرفته خواهد شد.

پس از این تصمیم، اعتراضات گسترده در شبکه‌های اجتماعی و در شماری موارد اعتراضات خیابانی راه اندازی شد و معترضان خواستار بازگشایی مکاتب دخترانه بالاتر از صنف ششم شدند.

اما گروه طالبان اعتراضات خیابانی را با خشونت و گلوله تفنگ سرکوب کردند و با اعتراضات در شبکه‌های اجتماعی، با بی‌تفاوتی و نادیده‌انگاری برخورد کردند.

طالبان در سال ۱۴۰۰ خورشیدی، دانش‌آموزان دختر کلاس‌های هفتم تا دوازدهم را بدون اخذ امتحان آخر سال، ارتقا دادند.

آن‌ها دلیل این کار را «ضایع نشدن» یک سال تحصیل دختران اعلام کردند و گفتند که دختران به دلیل وقفه در آموزش‌شان، نمی‌توانند امتحان بدهند.

امسال اما این گروه دانش‌آموزان دختر کلاس دوازدهم را مجبور کردند که در یک روز تمام مضامین درسی را بدون این‌که حتی یک ساعت در کلاس درسی حاضر شده باشند، امتحان بدهند.

این امتحان روز ۱۶ قوس (آذر) در سراسر افغانستان برگزار شد و دانش‌آموزانی که سال گذشته بدون امتحان از صنف یازدهم به صنف دوازدهم ارتقا داده شده بودند و در جریان سال جاری نیز حتی یک روز اجازه مکتب رفتن به آن‌ها داده نشد، مجبور شدند که ۱۴۰ پرسش را پاسخ بگویند.

این امتحان هرچند که با انتقادات زیادی مواجه شد، اما این امید را در دل دانش‌آموزان دختر خلق کرده بود که آن‌ها می‌توانند در مراکز آموزشی خصوصی درس بخوانند و در امتحان کنکور سراسری سال آینده شرکت کنند.

اما دستور تعلیق تحصیل دختران دانشجو در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی، تمام رویاها و امیدهای دختران افغانستان را از بین برد و یکبار دیگر ما شاهد اشک ریختن دختران برای محروم شدن از حق آموزش بودیم.

مسدود کردن دانشگاه‌ها بر روی دختران، آخرین مرحله سیاست ممانعت تدریجی آموزش زنان در افغانستان از سوی گروه طالبان بود. اکنون این پازل تکمیل شد و مشخص نیست که این گروه تروریستی اسلامی دیگر چه خواب وحشتناکی برای زنان افغانستان دیده است.

برنامه طالبان برای تفکیک جنسیتی در دانشگاه اما به پرده کشیدن در وسط صنف‌های درسی، ختم نشد. این گروه در آغاز سال تحصیلی ۱۴۰۱ خورشیدی، اعلام کرد که سه روز هفته دختران به دانشگاه بروند و سه روز دیگر پسران.

شماری از دانشگاه‌ها، برای تفکیک جنسیتی، دانشجویان را به دو شیفت قبل از ظهر و بعد از ظهر تقسیم کردند و در یکی از شیفت‌ها دختران به دانشگاه می‌رفتند و در شیفت بعدی پسران.

برنامه تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها تا آخر سال تحصیلی ۱۴۰۱ خورشیدی از سوی گروه طالبان به اجبار تطبیق شد تا این‌که حضور دختران در دانشگاه به کلی ممنوع اعلام شد.

طالبان به‌عنوان یک گروه شدیداً اسلامی همانند جمهوری اسلامی ایران، پوشش اختیاری را به رسمیت نمی‌شناسد و همواره با پوشش زنان، برخورد ایدئولوژیک دارد.

در ۱۷ ثور (اردیبهشت) وزارت امر به معروف و نهی از منکر گروه طالبان فرمان حجاب اجباری را منتشر کرد و بهترین نوع پوشش برای زنان را «برقع» دانست.

در این فرمان آمده است: «اگر زنی حجاب را مراعات نکند، خانه‌اش باید شناسایی و به بزرگ خانه توصیه شود، اما در صورت ادامه عدم رعایت حجاب، برای بار دوم سرپرست آن زن احضار می‌شود، برای بار سوم برای سه روز زندانی می‌شود و در صورت تکرار برای بار چهارم به محکمه معرفی می‌شود تا رسماً برایش جزا داده شود.»

پس از نشر رسمی این فرمان از سوی گروه طالبان، ماموران امر به معروف و نهی از منکر آن‌ها در دانشگاه‌ها مستقر شدند تا از نحوه پوشش دختران دانشجو، نظارت کنند.

این ماموران بارها دختران را در دانشگاه‌های مختلف بازرسی بدنی کردند و به دلیل پوشیدن «لباس رنگه» و آنچه که آن‌ها «لباس تحریک‌کننده» می‌خواندند، شلاق زدند و به اخراج از دانشگاه تهدید کردند.

بر اساس دستور پوشش اجباری گروه طالبان، دانشجویان دختر مجبور شدند که لباس سیاه عربی و روبند بپوشند و با پوشش کاملاً سیاه، وارد دانشگاه شوند.

با نگاهی اجمالی به تاریخ افغانستان می‌توان فهمید که ظلم و محرومیت زنان افغان از حقوق خود ریشه‌های عمیقی دارد. طالبان قبل از به دست گرفتن قدرت قول داده بود که اجازه ادامه تحصیل زنان را بدهد اما ناکامی آن‌ها در عمل به وعده‌های خود منجر به محکومیت آن‌ها در پایتخت‌های جهانی شده، اما جامعه جهانی به زنان افغانستان چیزی پیشنهاد نمی‌کند. حتی بورسیه‌های تحصیلی برای زنان در هند و بسیاری از کشورهای دیگر محدود شده است.

به گزارش The Print، پروین سوآمی (Praveen Swami)، سردبیر حوزه امنیت ملی این وبسایت در یادداشتی با توجه به اقدامات اخیر گروه طالبان در ممنوعیت تحصیل زنان به وضعیت این گروه از جامعه پرداخت و نوشت: از دیوارهای بلند وزارت اطلاعات و صدا و سیمای افغانستان، پرتزه‌های مقامات این کشور به خبرنگارانی می‌نگریست که پس از یازده سپتامبر، در هفته‌های پس از سقوط طالبان، وارد کابل شدند.

طالبان قبل از به دست گرفتن قدرت، قول داده بود که اجازه ادامه تحصیل زنان را بدهد و متعهد شد که «حقوق قانونی و انسانی هر کودک، زن و مرد را تضمین کند.» ناکامی آن‌ها در عمل به وعده‌های خود منجر به محکومیت آن‌ها در پایتخت‌های جهانی شده، این در حالی است که جامعه جهانی کمکی به زنان افغانستان نمی‌کند. حتی بورسیه‌های تحصیلی برای زنان افغان در هند و بسیاری از کشورهای دیگر محدود شده است.

وضعیت نظام آموزشی کشور افغانستان به دو بخش تعلیمات اساسی و تعلیمات ثانویه تقسیم شده است. در تعلیمات اولیه دوره‌های اول تا نهم تدریس می‌شود و این بخش دروس به زبان دری تدریس می‌شود. در تعلیمات ثانویه دوره‌های دهم تا دوازدهم تدریس می‌شود. سامانه نمره دهی در کشور افغانستان از ۱۰۰ است و نمره عالی را ۱۰۰ در نظر می‌گیرند و حداقل نمره‌ای که باید دانش‌آموزان کسب کنند تا فارغ‌التحصیل شوند بین ۴۰ الی ۶۰ است. در صورتی که فرد نمره کمتر از ۴۰ اخذ کرد باید مجدداً در امتحانات شرکت نموده و نمره مناسب را کسب کند.

دانشگاه کابل کشور افغانستان اولین نهاد آموزش عالی در کشور افغانستان بود که در سال ۱۳۱۱ تاسیس شد. این دانشگاه امروزه در زمینه علوم سیاسی و تاریخ تدریس می‌کند.

دانشگاه پلی تکنیک کابل یک دانشگاه مهندسی محسوب می‌شود که در سال ۱۳۴۳ تاسیس شده است و در نزدیکی یک هتل بین المللی و بسیار وسیع قرار دارد. این دانشگاه دارای ۵ دانشکده بوده و بیش‌تر از ۱۹ دپارتمان فرعی را در نظر گرفته است. این دانشگاه به‌طور کلی در ۱۱ گروه حرفه‌ای ارزیابی شده است و همین‌طور وابسته به گروه‌های آموزشی عمومی نیز بررسی می‌شود. رتبه این دانشگاه کمتر از ۵ هزار اعلام شده است و فضای فناوری کیمیاوی و همین‌طور فضای ساختمانی این دانشگاه وابسته به موقعیت کتابخانه‌ای بررسی می‌شود.

کشور افغانستان در لیست کشورهای فقیر قرار دارد هر ساله مرگومیر زیادی در این کشور رخ می‌دهد و این موضوع غیر قابل اجتناب است امید به زندگی در این کشور به واسطه موقعیتی که دارد کمی عجیب به‌نظر می‌رسد.

کشور افغانستان یک کشور جنگ زده است. این موضوع سبب شده است فضای خطر آمیز زیادی در این کشور به وجود آید هنوز برخی از مناطق برای سکونت و زندگی شرایط خوبی ندارند؛ هنوز بسیاری از مناطق این کشور نمی‌توانند رویکرد ورود به یک شغل مناسب را داشته باشند. در این کشور شرایط خوبی برای کار دانشجویی در مناطق جنگ زده دیده نمی‌شود. هنوز هم در برخی از مناطق جنگی احتمال حمله از سوی گروه‌های مختلف وجود دارد.

به دنبال خروج نظامیان اتحاد جماهیر شوروی پس از ۱۰ سال اشغال از افغانستان در سال ۱۹۸۹ که همراه با شکستی بزرگ برای ارتش سرخ رقم خورد، مردم افغانستان پیروزی بزرگی در برابر شوروی به‌دست آوردند اما این کشور با سقوط شوروی در سال ۱۹۹۲، وارد جنگ‌های داخلی و دوره طولانی بی‌ثباتی شد.

تحولات سیاسی پس از خروج شوروی، ناتوانی رهبران «جهادی» در برقراری یک دولت فراگیر و گسترش اختلافات میان گروه‌های مختلف جهادی بر ظهور طالبان در داخل جامعه افغانستان اثر گذاشت. در این شرایط آشفته و با استمرار درگیری‌های شدید بین گروه‌های مجاهدین در شهرها و ولایات مختلف، گروهی متشکل از طلبه‌ها در مدارس دینی پاکستان به نام «تحریک اسلامی طالبان» به رهبری ملامحمد عمر مجاهد در سپتامبر ۱۹۹۴ میلادی با هدف «مقابله با شر و فساد و ایجاد یک نظام اسلامی مبتنی بر فقه حنفی» در افغانستان از مرز سپین‌بولدک ولایت قندهار در جنوب کشور ظهور کرده و به سرعت نفوذ خود را گسترش دادند.

لامحمد عمر مجاهد فرزند مولوی غلام نبی متولد سال ۱۹۶۰ در روستای چاه همت شهرستان خاکریز ولایت قندهار که در ۸ سالگی به مدرسه دینی در ولایت ارزگان فرستاده شد و با اشغال افغانستان از سوی ارتش شوروی سابق در سال ۱۹۷۹ با هدف جهاد مسلحانه در صف «حرکت انقلاب اسلامی» به رهبری مولوی محمد نبی محمدی در ولایت‌های ارزگان و قندهار فعالیت کرده بود، هنگام جنگ بر ضد نیروهای شوروی سابق و ارتش وقت افغانستان زخمی شده و بینایی چشم راست خود را از دست داد.

لامحمد عمر پس از سرنگونی حاکمیت چپ پروروس در افغانستان در پایان سال ۱۹۹۲، یک مدرسه دینی در شهرستان میوند ولایت قندهار گشوده و خواستار ایجاد نظامی بر اساس «اصول اسلامی» در کشور بود. بحران اقتصادی، گسترش بی‌ثباتی و ناامنی، اقدامات نفع‌طلبانه جناح‌های مسلح در نقاط مختلف این کشور زمینه را برای گروه طالبان مساعد کرد تا ملامعمر نیز با مشارکت دانش‌آموزان مدارس جنوب افغانستان که از جنگ خسته، ناامید و بیش‌تر آن‌ها در طول جنگ داخلی آواره شده بودند، علیه گروه‌های جهادی متخاصم وارد جنگ شوند. شمار اعضای طالبان پس از حدود یک ماه به ۱۵ هزار نفر رسید.

طالبان در ۳ اکتبر ۱۹۹۴ در یک حمله غافلگیرانه مرکز ولایت قندهار را تصرف کرده و تا سال ۱۹۹۵ موفق شدند ولایت استراتژیک هرات در مرز ایران و ترکمنستان را تسخیر کنند. همچنین این گروه در آغاز سال ۱۹۹۵ توانست ۱۲ ولایت افغانستان را تحت کنترل خود درآورده و کابل را محاصره کند.

این گروه به سرعت استان‌های جنوبی و غربی افغانستان را اشغال و سپس امنیت این مناطق را تامین کرد. جنگ، ناامنی و نقض حقوق بشر توسط گروه‌های مختلف در افغانستان، باعث شد تا طالبان ابتدا به‌عنوان جنبشی «نجات‌بخش» نزد مردم این کشور جلوه کند. نبرد آن‌ها با جنگ‌جویان حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار باعث شد تا برهان‌الدین ربانی، رئیس‌جمهور سابق افغانستان که با این حزب اختلاف و درگیری داشت، طالبان را «فرشته صلح» بخواند. او به گروه‌های مختلف جمعیت اسلامی افغانستان دستور داد به مقابله با طالبان نپردازند.

شامگاه روز جمعه ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۶، طالبان وارد کابل شده و با برافراشتن پرچم سفید «امارت اسلامی» بر برج کاخ ریاست جمهوری افغانستان قدرت را در دست گرفته و کنترل تمامی بخش‌های پایتخت را به دست گرفتند. بیش از ۹۰ درصد خاک افغانستان در تسلط این گروه بود و مقاومت نیروهای مجاهدین موسوم به ائتلاف شمال به فرماندهی احمدشاه مسعود علیه طالبان در ولایات پنجشیر، تخار و بدخشان و تخار همچنان ادامه یافت.

اعضای طالبان بلافاصله پس از ورود به کابل سراغ نجیب‌الله، رئیس‌جمهور سابق افغانستان که به دفتر سازمان ملل پناهنده شده بود، رفتند. آن‌ها سپس وی و برادرش شاهپور احمدزی را در چهارراه آریانا به دار آویختند.

طالبان پس از ورود به کابل نام حکومت خود را «امارت اسلامی افغانستان» اعلام کرده و تمامی رسانه‌های تصویری و خصوصی را بستند و نام رادیو افغانستان را به «رادیوی شریعت» تبدیل کردند. این گروه همچنین استادیوم کابل را به میدان اعدام مردان و زنان تبدیل و زنان را در حضور هزاران مرد تیرباران کردند.

طالبان با قرائت ویژه خود از اسلام، احکام سخت‌گیرانه و وحشیانه‌ای را اجرا و زنان را از ابتدایی‌ترین حقوق‌شان محروم کردند. آن‌ها همچنین محدودیت‌های زیادی را بر زندگی عادی شهروندان به مرحله اجرا گذاشتند. به جوانان دستور داده شد، موهایشان را کوتاه کنند، ریش‌های شان را نتراشند. از پوشیدن لباس‌هایی غیر از لباس ملی جلوگیری کنند. به موسیقی گوش فرا ندهند.

همچنین زنان نیز در دوره پنج ساله رژیم طالبان با محدودیت‌های زیادی از جمله پوشیدن برقه مواجه شدند. اشتغال زنان در ادارات دولتی و دفاتر ممنوع و حق تحصیل در مدارس و دانشگاه‌ها را نداشتند. آوازخوانی زنان جرم محسوب شده و مجازات بسیار سنگینی به دنبال داشت.

آن‌ها به انواع نقض حقوق بشر و فرهنگی متهم شدند. یک نمونه مشهور در سال ۲۰۰۱ بود که طالبان، مجسمه‌های معروف بودای بامیان را در مرکز افغانستان با وجود خشم جهانیان تخریب کردند. از سوی دیگر، جنگ داخلی ساختار اجتماعی مبتنی بر همبستگی خانوادگی و قبیله‌ای را که اساس پویایی اقتصادی و اجتماعی کشور بود، متزلزل کرد. تقریباً ۱ میلیون غیرنظامی طی سال‌های اشغال و جنگ داخلی جان خود را از دست دادند و نزدیک به ۱۰۰ هزار زن نیز بیوه شدند.

به دلیل مشکلات دسترسی به خدمات بهداشتی اساسی، میزان مرگومیر نوزادان با ۲۵ درصد به بالاترین میزان در جهان می‌رسید و از هر ۴ کودک یک نفر قبل از ۵ سالگی فوت می‌کرد. مردم افغانستان به کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل متحد و نهادهای غیردولتی خارجی نیاز داشتند.

حکومت طالبان در حالی که رویه سخت‌گیرانه «احکام اسلامی» را اعمال می‌کرد، نسبت به سازمان‌های کمک‌کننده خارجی تردید داشت. طالبان در تابستان سال ۱۹۹۸، دفاتر تمام سازمان‌های کمک‌کننده خارجی و دفترهای سازمان ملل

را در این کشور بستند و به فعالیت‌های آن‌ها پایان دادند. سازمان ملل متحد «امارت اسلامی افغانستان» را به جلوگیری از رساندن کمک‌های غذایی به ۱۶۰ هزار غیرنظامی که با بحران گرسنگی مواجه بودند، متهم می‌کرد.

حکومت ایجاد شده توسط طالبان در افغانستان در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ تنها توسط پاکستان، عربستان سعودی و امارات متحده عربی در جهان به رسمیت شناخته شد. در این دوره، این گروه از اسامه بن‌لادن میلیاردر سعودی که برخی از جنگ‌جویان خارجی را که در دهه ۱۹۸۰ علیه شوروی در افغانستان می‌جنگیدند، در یک «شبکه تروریستی بین‌المللی» به نام «القاعده» سازماندهی کرد.

بن‌لادن هنگام برنامه‌ریزی و هدایت اقدامات تروریستی بین‌المللی القاعده از طالبان پشتیبانی مالی می‌کرد. شبه‌نظامیان وفادار به بن‌لادن در صف طالبان می‌جنگیدند و در حملات به غیرنظامیان شرکت می‌کردند. در دسامبر ۲۰۰۰، شورای امنیت سازمان ملل متحد تصمیم گرفت که حکومت طالبان را به این دلیل که مناطق تحت کنترل خود را در افغانستان برای آموزش تروریست‌های بین‌المللی استفاده می‌کند و بن‌لادن، رهبر القاعده را پناه می‌دهد، مجازات کند.

در پی حملات تروریستی به برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی در نیویورک در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ایالات متحده آمریکا عملیات اشغال در افغانستان را که «عملیات آزادی پایدار» نامید در ۷ اکتبر ۲۰۰۱ آغاز کرد. هواداران افغان زیر چتر ائتلاف تحت رهبری آمریکا و «اتحاد شمال» یکی پس از دیگری ولایات بزرگ را تصرف کردند.

طالبان در ۱۳ نوامبر از پایتخت کابل و از قندهار که قلعه آن‌ها در اوایل اعلام موجودیتش محسوب می‌شد، عقب‌نشینی و با حملات هوایی ائتلاف به رهبری آمریکا سرنگون شد. رهبران افغانستان پس از سرنگونی حکومت طالبان در کنفرانس بن که در دسامبر ۲۰۰۱ در آلمان برگزار شد، گرد هم آمدند، حامد کرزی را که بعداً به‌عنوان رییس‌جمهور انتخاب شد، به ریاست دولت موقت افغانستان آوردند.

طالبان به رهبری ملا عمر پس از مدتی در سال ۲۰۰۳ دوباره سازماندهی شدند و جنگ مسلحانه را علیه دولت مرکزی افغانستان و نیروهای پشتیبانی امنیت بین‌المللی (آیساف)، که متشکل از آمریکا و اکثریت کشورهای ناتو بود، آغاز کردند. این گروه با بمب‌گذاری‌ها در جاده‌ها، کمین و حملات غافل‌گیرانه در مناطق روستایی و همچنین انفجارهای انتحاری در شهرها از سال ۲۰۰۶ کنترل مناطق مختلف افغانستان را مجدداً تصرف کردند. نیروهای ائتلاف بین‌المللی مجبور شدند تعداد نیروهای خود را در برابر طالبان افزایش دهند.

شایان ذکر است که در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ میلادی ۱۴۰ هزار سرباز تحت فرماندهی آیساف حضور داشتند که ۱۰۰ هزار نفر آن‌ها سربازان آمریکایی بودند.

در همین حال آمریکا در سال ۲۰۱۲، اعلام کرد که در دسامبر ۲۰۱۴ به عملیات خود در افغانستان پایان داده و نیروهای خود را خارج می‌کند. از سوی دیگر برخی منابع نزدیک به طالبان از درگذشت ملا عمر رهبر طالبان در ۲۳ آوریل ۲۰۱۳ بر اثر بیماری سل در بیمارستانی در کراچی پاکستان خبر دادند.

دولت باراک اوباما در ۲۸ دسامبر ۲۰۱۴، به‌طور رسمی به ماموریت جنگی نظامیان آمریکایی در افغانستان موسوم به «آزادی پایدار» پایان داد و با خروج بیش‌تر نظامیان آمریکایی ماموریت «حمایت قاطع» با هدف آموزش، مشاوره و کمک به نیروهای امنیتی افغان آغاز شد. بدین ترتیب ماموریت نیروهای آیساف خاتمه یافت و کلیه مسئولیت‌های امنیتی را به دولت افغانستان منتقل شد، اما نیروهای امنیتی افغانستان در حفظ امنیت موفق نبودند و طرح عقب‌نشینی نیز به شکست انجامید. درگیری‌ها در این کشور ادامه داشته، طالبان به فعالیت‌های تروریستی خود ادامه دادند.

اولین اقدام با هدف برقراری مذاکرات صلح بین طالبان و گروه‌های افغان در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما صورت گرفت. مقامات واشنگتن در سال‌های ۲۰۱۱، ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ چند بار به این اقدام متوسل شده، اما تمام این اقدامات ناکام ماندند.

موضوع برقراری مذاکرات صلح پس از انتخاب دونالد ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور امریکا در سال ۲۰۱۷، دوباره مطرح شد. نمایندگان امریکا و طالبان در تاریخ ۲۵ فوریه ۲۰۱۹ برای مذاکرات صلح در دوحه برای نخستین بار گردهم آمدند.

زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه رییس‌جمهور امریکا در امور افغانستان در سپتامبر ۲۰۱۹ از حصول توافق بین طرفین خبر داده و اعلام کرد که منتظر تصویب این توافق‌نامه از سوی دونالد ترامپ بوده‌اند. در همان روزها بر اثر یک حمله تروریستی در کابل یک سرباز امریکایی جان باخته و ترامپ بدین دلیل تصویب آن را به حالت تعویق درآورد.

مذاکرات بین نمایندگان امریکا و طالبان در دسامبر ۲۰۱۹ از سرگرفته شد و با اجماع طرفین برای برقراری یک آتش‌بس فعلی با عنوان «کاهش خشونت» به پایان رسید. این مذاکرات در تاریخ ۲۲ فوریه ۲۰۲۰ مجدداً از سر گرفته شد. زلمی خلیل‌زاد، نماینده ویژه ایالات متحده برای صلح افغانستان و ملا عبدالغنی برادر، معاون سیاسی گروه طالبان ۲۹ فوریه امسال طی مراسمی در دوحه، پایتخت قطر «توافق‌نامه صلح در افغانستان» میان امریکا و طالبان را امضاء کردند که بر اساس این توافق‌نامه مقرر شد ۵ هزار زندانی طالبان از زندان‌های دولت افغانستان و یک هزار گروگان و اسیر در دست طالبان آزاد و گفت‌وگوهای بین‌افغانی نیز آغاز شود.



گروه طالبان در دوره‌های مذاکرات و سرانجام توافق با واشنگتن در ۲۹ فوریه امسال توانستند برخی اعضای ارشد خود را از فهرست سیاه سازمان ملل خارج و بیش از پنج هزار زندانی از جمله «۴۰۰ مجرم خطرناک» خود را زندان‌های افغانستان آزاد کنند. همچنین طالبان توانست انس حقانی، بنیان‌گذار شبکه حقانی و معاون ملاحبت الله آخندزاده رهبر این گروه را از زندان ریاست امنیت ملی افغانستان آزاد و با خود به قطر ببرند.

سرانجام نخستین نشست مذاکرات صلح افغانستان شنبه ۱۲ سپتامبر با حضور هیئتی از مقامات دولتی و جناح‌های مختلف افغانستان و هیئت گروه طالبان در هتل شرایتون شهر دوحه پایتخت قطر آغاز شد. این گفت‌وگوها گام بعدی پس از توافق آمریکا-طالبان درباره خروج نیروهای امریکایی از افغانستان است.

طالبان که به‌عنوان گروه مسلح در دوره جنگ داخلی افغانستان ظهور کردند، طی ۲۵ سال گذشته به یکی از تاثیرگذارترین بازیگران سیاسی در این کشور تبدیل شده و در حال حاضر با وجود این‌که دولت افغانستان را به رسمیت نمی‌شناسد، با نمایندگان آن بر سر آینده این کشور مذاکره می‌کنند. طرفین در نخستین روز این مذاکرات موضوعات مورد بحث اجلاس بعدی و اصول مذاکره را تعیین کرده و یک دبیرخانه مشترک تشکیل دادند. همچنین انتظار می‌رود طرفین به منظور پایان دادن به جنگ طولانی‌مدت در افغانستان، پیرامون آتش‌بس و توافق‌نامه سیاسی بحث کنند.

سرانجام در ۱۵ اوت ۲۰۲۱، تنها ۹ روز پس از تصرف اولین مرکز ولایت افغانستان، طالبان وارد کابل شد و اشرف غنی فرار را بر قرار ترجیح داد. احتمالاً هیچ‌کس، حتی خود طالبان هم باورش نمی‌شد اما ظرف چند ساعت، کابل سقوط کرد و تصاویر ورود آن‌ها به ارگ ریاست‌جمهوری افغانستان در شبکه‌های مجازی دست‌به‌دست شد.

پس از تقریباً ۲۰ سال جنگ، بیش از ۱۰۰ هزار افغان جان باختند و بیش از دو تریلیون دلار بودجه امریکا در افغانستان صرف شد، اما این هزینه‌ها نتوانستند آینده روشنی برای این کشور جنگ‌زده ترسیم کنند.

برخی تحلیل‌گران بر این عقیده بودند که دولت افغانستان و ارتش ملی این کشور، مقاومت بیشتری می‌کنند، آن‌هم وقتی ارتش افغانستان تحت آموزش امریکایی‌ها و با صرف ۸۹ میلیارد دلار بودجه رشد کرده بود؛ اما طالبان در برابر چشمان بهت‌زده افغان‌ها و دیگر مردم جهان، به سرعت کنترل این کشور را در اختیار گرفت.

یکی از مقامات سابق اطلاعاتی امریکا که در افغانستان حضور داشته، گفت: «نتیجه نهایی مشخص بود و می‌دانستیم که پس از خروج ما، در افغانستان خونریزی به‌پا خواهد شد، اما این اتفاق با سرعت غیرقابل باوری رخ داد.»

یکی از اعضای سابق نیروی دریایی امریکا که در جنگ عراق فرماندهی یک گروهان عراقی تحت آموزش امریکا را بر عهده داشت، می‌گفت: چرا طالبان با چنین سرعتی توانست افغانستان را تصرف کنند؟ چرا توانستند در مدت زمان کمتری نسبت به سال ۲۰۰۱ که ما بر افغانستان مسلط شدیم، آن را تصرف کنند؟

این سؤال بسیاری از جمله امریکایی‌ها، افغان‌ها، کهنه‌کاران ارتش و ناظران بین‌المللی بود و جوابش، مانند خود مناقشه افغانستان، پیچیده، چندلایه و تراژیک است.

با این حال، تحلیل‌گران می‌گویند که عمده‌ترین دلایل سقوط افغانستان این‌ها هستند: شکست اطلاعاتی، قدرت بیشتر طالبان، فساد، پول، تفاوت‌های فرهنگی و اراده برای جنگ.

چند روز قبل از تسلط طالبان بر افغانستان، رویترز به نقل از یک مقام دفاعی امریکا تخمین زد که افغانستان ظرف ۹۰ روز سقوط می‌کند. اما تنها کمتر از ۱۰ روز بعد از تصرف نخستین مرکز ولایت افغانستان (زرنج)، طالبان این کشور را در قبضه خود گرفت.

وقتی نیروهای طالبان در شهرها پیشروی کردند، بسیاری از سربازان ارتش افغانستان تسلیم شدند، چرا که مطمئن بودند دولت مستقر در کابل از آن‌ها حمایت نخواهد کرد.

در آوریل سال گذشته، جو بایدن، رییس‌جمهوری امریکا به سربازان امریکایی دستور داد که تا ۱۱ سپتامبر ۲۰۲۱ از افغانستان خارج شوند، تصمیمی که به گفته او، با تبعیت ناتو انجام می‌شد. یک روز پس از سقوط افغانستان، بایدن همچنان از تصمیم خود دفاع کرده و دولت ملی افغانستان را مسئول این واقعه دانست.

اشرف غنی، رییس‌جمهوری وقت افغانستان هم در ۱۵ اوت، هم‌زمان با ورود طالبان به کاخ ریاست‌جمهوری، افغانستان را ترک کرد تا به گفته خود از جاری شدن «سیلی از خون» پیش‌گیری کند.

او پایان جنگ را اعلام کرد و گفت: طالبان با زور اسلحه و شمشیر در این جنگ پیروز شده و اکنون مسئول ناموس، مال و حفظ جان هموطنان خود هستند.

گرچه تعداد نیروهای افغانستان به مراتب بیشتر از طالبان بود و تحت آموزش امریکا هم قرار داشتند، اما طالبان در هفته‌های منتهی به سقوط کابل، در تعداد چشم‌گیری از میدان‌های نبرد، پیروز شد.

در ۱۵ اوت، طالبان به آخرین مقصد خود رسید و کاخ ریاست‌جمهوری افغانستان در کابل را تصرف کرد.

جان کیورکیاری، مدیر مرکز سیاست بین‌الملل و دیپلماسی «ویزر» در دانشکده سیاست عمومی دانشگاه میشیگان می‌گوید: سلطه یافتن سریع طالبان نشان می‌دهد که نیروهای افغان تا چه حد به ائتلاف امریکایی وابستگی داشتند، چه از

نظر مادی و چه از نظر روانی. حتی قبل از خروج امریکا هم دولت افغانستان و نیروهای امنیتی این کشور در حال فروپاشی بودند.

او گفت: بلافاصله پس از آغاز روند خروج امریکا، سربازان و مقامات افغان شروع به فرار از این کشور کردند، یا برای گریز از خشم طالبان یا برای عقب‌نشینی به سمت شبه‌نظامیان قومی قدیمی.

بسیاری از سربازان افغان تسلیحات خود را در ازای پول به نیروهای طالبان واگذار کردند و بسیاری از آنها هم ارتش را ترک کردند، اما این اتفاق در جایی ثبت نشده و باعث شد تا نام این سربازان فراری همچنان در لیست سربازان در حال خدمت ارتش باقی بماند.

به گزارش وبسایت مستقل "icasualties.org" امریکا که تلفات نظامیان کشور در خاورمیانه را پیگیری می‌کند از سال ۲۰۰۱ تا آوریل امسال ۳۵۹۵ تن از نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا در افغانستان کشته شده که ۲۴۵۱ نفر از آنها آمریکایی بوده‌اند. ۲۰ هزار ۶۶۳ نظامی نیز بر اثر جراحات وارده جان خود را از دست دادند.

در همین راستا براساس گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری بین‌المللی و نهادهای مدنی در افغانستان، از زمان اشغال این کشور توسط ایالات متحده در ماه اکتبر سال ۲۰۰۱ تاکنون هزاران غیرنظامی کشته و ده‌ها هزار تن دیگر زخمی شده‌اند.

جنگ و حملات هوایی نیروهای ائتلاف بین‌المللی به رهبری امریکا به افغانستان را می‌توان «طولانی‌ترین جنگ بدون وقفه» تاریخ ایالات متحده دانست. این نبرد در مقایسه با حضور ارتش سرخ شوروی سابق در افغانستان، حدوداً دو برابر به طول انجامیده است.

البته طالبان با حمایت پاکستان وارد عرصه سیاست در افغانستان شد. ظهور طالبان توسط بی‌نظیر بوتو، لیبرال‌ترین و سکولارترین حکمران تاریخ پاکستان هدایت شد. او به «مادر» طالبان معروف شد. پاکستان بلافاصله پس از سازماندهی طالبان، حمایت از این جریان را آغاز کرد. بی‌نظیر بوتو پشتیبان طالبان در عرصه بین‌المللی بود. پس از وی نیز، نواز شریف حمایت از طالبان را ادامه داد و امریکا را قانع کرد که گروه طالبان «بهترین در میان بدها» است.

حکومت طالبان در دوره اول خود هم با سیاست‌ها مشابه حدود پنج سال افغانستان را اداره می‌کرد. وزارت اقتصاد طالبان در سال ۱۹۹۸ میلادی هم با اعمال محدودیت‌هایی، فعالیت سازمان‌های غیردولتی را واداشت تا کابل و شهرهای دیگر افغانستان را ترک کرده و از پاکستان فعالیت کنند.

از زمانی که سال گذشته کنترل کشور را دوباره به دست گرفت، به طور پیوسته حقوق زنان را محدود کرده است با وجود آنکه پیش از به دست گرفتن قدرت و عده می‌دادند که حکومتی نرم‌تر از رژیم در دهه ۱۹۹۰ خواهند داشت. شاخه جنوب آسیای عفو بین‌الملل نیز این ممنوعیت را «یک تلاش تاسف‌بار دیگر برای حذف زنان از فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی» افغانستان توصیف کرد.

یک پزشک شاغل در شهر مزار شریف و روستاهای دورافتاده در شمال کشور گفته است که از این تحولات «غمگین و ویران» شده است. او «مشکل بزرگ» را برای زنانی که در تلاش برای دسترسی به درمان هستند، پیش بینی کرد، زیرا آنها «نمی‌توانند مشکلات خود را به‌طور کامل به مردان بگویند».

افغانستان با یکی از بدترین بحران‌های بشری در جهان مواجه است. سازمان‌های غیردولتی مانند سازمان حفاظت از کودکان، شورای پناهندگان نروژ، CARE، کمیته بین‌المللی نجات و Afghanaid بعد از تسلط طالبان بر افغانستان در ارائه کمک به میلیون‌ها نفر نقش داشتند. این موسسات یک‌شنبه گذشته فعالیت خود در افغانستان را به تعلیق درآوردند.

دست‌کم پنج سازمان مردم‌نهاد بین‌المللی در اعتراض به تصمیم طالبان مبنی بر منع فعالیت زنان در موسسات داخلی و خارجی، فعالیت‌های خود را در افغانستان متوقف کرده‌اند.

شورای امنیت سازمان ملل شامگاه سه‌شنبه ۲۷ دسامبر/۶ دی در بیانیه‌ای که ۱۵ عضو این شورا با آن موافق بودند اعلام کرد که ممنوعیت حضور زنان و دختران در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها در افغانستان «بیانگر کاهش فزاینده احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی است».

این شورا افزود که این ممنوعیت «تاثیر مهم و فوری بر عملیات بشردوستانه در کشور» از جمله عملیات سازمان ملل خواهد داشت.

استفان دوجاریک، سخنگوی دبیر کل سازمان ملل متحد، یکشنبه ۵ دی یادآوری کرد که توقف کار زنان در سازمان‌های محلی و بین‌المللی در افغانستان روند ارایه کمک‌های بشردوستانه و حیاتی به ۲۸ میلیون نیازمند را تضعیف خواهد کرد. سازمان ملل متحد ارایه موثر کمک‌های بشردوستانه را نیازمند حضور امن و بدون مانع امدادگران به‌ویژه زنان دانست.

وزارت اقتصاد گروه طالبان شنبه گذشته ۳ دی-۲۴ دسامبر به موسسه‌های داخلی و بین‌المللی دستور داده که کار تمام کارمندان زن را متوقف کنند. بخش‌نامه حکومتی به امضای قاری دین محمد حنیف، سرپرست وزارت اقتصاد طالبان رسیده و به موسسه‌های غیردولتی ارسال شده است. در نامه وزارت اقتصاد گروه طالبان آمده است که به دلیل عدم رعایت حجاب و سایر قوانین و مقررات این گروه در موسسه‌های دولتی و غیر دولتی، زنان از کار در آن‌ها منع می‌شوند.

سازمان‌های کمک‌رسان بزرگ بین‌المللی روز یکشنبه گذشته، پس از آن‌که طالبان همه سازمان‌های غیردولتی خارجی و داخلی را از استخدام زنان منع کردند، فعالیت‌های خود را در افغانستان به حالت تعلیق درآوردند.

افغانستان با یکی از بدترین بحران‌های بشری در جهان مواجه است. سازمان‌های غیردولتی مانند سازمان حفاظت از کودکان، شورای پناهندگان نروژ، CARE، کمیته بین‌المللی نجات و Afghanaid بعد از تسلط طالبان بر افغانستان در ارائه کمک به میلیون‌ها نفر نقش داشتند. سازمان حفاظت از کودکان، کمیته بین‌المللی نجات و CARE در بیانیه مشترکی اعلام کردند:

«ما نمی‌توانیم بدون کارمندان زن خود به‌طور موثر به کودکان، زنان و مردانی که در افغانستان به کمک‌های بشردوستانه نیاز مبرم دارند، دسترسی داشته باشیم».

افغان‌اید نیز در بیانیه‌ای جداگانه اعلام کرد این گروه با سازمان ملل و سایر سازمان‌های غیردولتی در حال رایزنی‌ست اما فعلاً فعالیت‌های خود در افغانستان را متوقف می‌کند.

کمیته بین‌المللی نجات که بیش از هشت هزار نفر از جمله سه هزار زن افغانستانی را در استخدام خود دارد اعلام کرد به دلیل منع فعالیت زنان در موسسات خصوصی و دولتی ناگزیر است که فعالیت خود را متوقف کند. در این بیانیه آمده است:

«اگر ما اجازه استخدام زنان را نداشته باشیم، نمی‌توانیم کمک‌ها را به نیازمندان تحویل دهیم».

تام وست، نماینده ویژه ایالات متحده آمریکا در امور افغانستان، یک روز پس از صدور دستور منع کار زنان از سوی طالبان در توییتی نوشت:

«فرمان طالبان که زنان را از کار در سازمان های مردم نهاد منع می‌کند، بسیار غیرمسئولانه است. این تصمیم خطرات مرگباری را برای میلیون‌ها انسانی که به کمک‌های حیاتی متکی هستند، به بار می‌آورد. طالبان ابتدایی‌ترین مسئولیت‌های خود را در برابر مردم خود نادیده می‌گیرند.»

آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا نیز تصمیم زن‌ستیزانه طالبان را «یک اقدام ویرانگر برای افغانستان» خواند و هشدار داد که منع استخدام زنان می‌تواند روند ارسال کمک‌های حیاتی بشردوستانه به میلیون‌ها شهروند افغانستان را با چالش مواجه سازد.

اتحادیه اروپا نیز از تصمیم طالبان برای ممانعت از کار زنان در موسسه‌ها انتقاد کرده است. سخن‌گوی جوزپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا گفته است که منع زنان از کار در موسسه‌های غیردولتی به معنای اعمال محدودیت جدی حقوق بشر و آزادی‌های زنان افغانستان است.

ملانی جولی، وزیر خارجه کانادا، منع کار زنان در افغانستان در حکومت طالبان را بیانگر نادیده گرفته شدن کامل حقوق زنان خوانده است. سفارت استرالیا برای افغانستان نیز تعلیق کار زنان در موسسه‌ها را به زیان شهروندان فقیر کشور توصیف کرده و گفته است که این دستور طالبان خلاف اصول بشردوستانه است و زنان را بیش‌تر به حاشیه می‌راند.

در پایان می‌توانیم تاکید کنیم که طالبان از نیمه اوت ۲۰۲۱ پس از توافق با دولت وقت ایالات متحده امریکا که به توافق‌نامه بازگردان صلح به افغانستان موسوم شد، بار دیگر بر تمامی افغانستان تسلط یافت. از زمان بازگشت طالبان، ستم بر زنان نیز فزونی گرفته و اسلام‌گرایان افراطی قدم به قدم زنان و دختران را به خانه راندند. بستن مدارس و منع تحصیل دختران، اجبار زنان به خانه‌نشینی و اخراج آن‌ها از نهادهای دولتی، اجبار به پوشش برقع و رعایت حجاب اسلامی تعیین شده از سوی طالبان، بستن در دانشگاه به روی زنان و در نهایت ممنوعیت اشتغال زنان در موسسه‌های بین‌المللی و داخلی بخشی از کارنامه زن‌ستیزانه تروریست‌های طالبان در حدود ۱۶ ماهی که دوباره بر افغانستان مسلط شد، است.

بی‌گمان تحولات افغانستان و همچنین عراق و لیبی و یمن و سوریه و لبنان، تجربه بزرگی‌ست که هم‌اکنون در مقابل اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران، به ویژه آن بخش از سازمان‌ها و احزاب سیاسی و افراد قرار دارد که تلاش می‌کنند دولت‌ها در جنبش انقلابی ایران دخالت کنند و احتمالاً در پشت پرده نیز مشغول بدهوبستان‌هایی هستند.

اکنون جامعه و جنبش انقلابی ما، نباید دخالت دولت‌ها و پیمان نظامی ناتو در جنبش موسوم به «بهار عربی» را فراموش کند. جنبش عظیمی که از تونس با خودکشی یک جوان لیسانسیه بیکار و دست‌فروش آغاز شد و به سرعت به همه کشورهای عربی کشیده شد؛ با وجود این که در برخی کشورهای عربی دیکتاتورها پایین کشیده شدند اما وضعیت مردم این کشورها نه تنها بهتر نشد، بلکه وخیم‌تر و بدتر هم شد.

سوریه دچار جنگ داخلی گردید؛ نظامی‌های مصر کودتا کردند؛ در تونس گرایشات مذهبی قدرت را گرفتند؛ لیبی تکه‌پاره شد؛ در یمن جنگ داخلی و خارجی نفس مردم این کشور را بریده است؛ عراق هم که سال‌های طولانی‌ست به اشغال امریکا درآمده هنوز گرایشات مذهبی طرفدار جمهوری اسلامی دست بالا را دارند. ظاهراً حاکمیت‌های امریکا و جمهوری اسلامی ایران و دولت عراق، برای اداره این کشور، یک نوع همکاری را در پیش گرفته‌اند و با وجود تضادهایی، تاکنون همدیگر را تحمل کرده‌اند. همچنین اقلیم کردستان، از جمله به جولانگاه نیروهای تروریستی جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده است.

بنابراین، تحولات و وقایع جهان به ما می‌آموزد که به استقلال سیاسی و اجتماعی و رهبری جنبش انقلابی مردم ایران توجه ویژه داشته باشیم. هم‌زمان این جنبش نباید از سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی عقب‌نشینی کند و نه دل به «حمایت» دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی همچون سازمان ملل و کمیته حقیقت‌یاب آن ببندد؛ به‌همین دلیل، سازمان‌دهندگان و دست‌اندرکاران و رهبران واقعی جنبش انقلابی کنونی ما، باید به قدرت عظیم و مستقل خود و همچنین به حمایت افکار عمومی آگاه و نهادهای غیردولتی بین‌المللی متکی باشد نه به دولت‌ها و نهادهای وابسته به دولت‌ها!

مردم افغانستان به ویژه زنان با ۳۹ میلیون نفر جمعیت، شدیداً نگران آینده خود هستند، مخصوصاً زنان که با شکست حکومت نخستین طالبان در سال ۲۰۰۱ به دست ائتلاف امریکایی، توانستند پنج سال پس از قدرت‌گیری طالبان در ۱۹۹۶ به مدرسه بروند. اما اکنون یک سال پس از قدرت‌گیری دوباره طالبان در اوت ۲۰۲۱، دختران افغان تنها حق شرکت در کلاس‌های دوره ابتدایی را داشته و از ورود به مقطع متوسطه منع می‌شوند. همچنین این نگرانی وجود دارد که باتوجه به این‌که این دختران اجازه شرکت در کلاس‌های دوره متوسطه را ندارند، توانایی و اجازه حضور در دانشگاه و تحصیلات تکمیلی را هم نخواهند داشت.

اما تا آن‌جا که به سرنوشت مردم افغانستان برمی‌گردد از بسیاری جهات سرنوشت مردم افغان و ایران به هم گره خورده است؛ بر هر دو کشور حاکمان مستبد مذهبی در قدرتند و هر دو زن ستیز و آزادی‌ستیز هستند؛ همچنین دهه‌هاست که میلیون‌ها افغان در ایران کار و زندگی می‌کنند و آن‌ها به‌نوعی در هم ادغام شده‌اند. به‌همین دلیل همبستگی مردم ایران و افغانستان و در پیشاپیش همه زنان و دختران و نیروهای جوان انقلابی، بسیار حائز اهمیت است و به همین دلیل دارد که در شعارها و تحلیل‌های جنبش انقلابی ایران، بر این همبستگی تأکید گردد!

چهارشنبه هفتم دی-جدی- ۱۴۰۱ - بیست و هشتم دسمبر ۲۰۲۲